فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی
Human Sciences Research Journal
دوره جدید، شماره ۲۷، بهار ۱۳۹۹، صص ١٤-١ **New Period, No 27, 2020, P 1-14**
شماره شاپا (۲٤٧٦-۷۰۱۸) **ISSN (2476-7018)**

جایگاه و پایگاه انوری، در بین قصیده سرایان شعر فارسی

حیدر کریم پور[۱]. پروانه مافی[۲]
۱. دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج. ایران
۲. دانشجوی دکترای زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج. ایران

چکیده
انوری ابیوردی از قصیده‌سرایان بزرگ قرن ششم هجری می‌باشد که از راه مدح و ستایش امیران، امرار معاش می‌کرده است. توانایی این شاعر، در حدی است که تذکره نویسان او را در ردیف فردوسی و سعدی قرار داده و از او به عنوان یکی از پیامبران سه‌گانه شعر فارسی یاد کرده‌اند.
انوری، علاوه بر شعر در علوم مختلف زمانهٔ خویش، جامع‌الاطراف بوده است و چون در آن دوره، بازار مداحی را گرم‌تر از علم نجوم و ریاضی و فلسفه می‌داند به شعر و شاعری، روی می‌آورد. از ویژگی‌های شعری انوری، خلاقیت و داستان‌سازی اوست؛ به گونه‌ای که در بعضی از اشعارش نوعی حالت قیدگونه و تعلیق‌وار گنجانده شده است که خواننده را به سمت خود جذب می‌کند.
هجویات این شاعر بزرگ، سرشار از ثمنیات و خواهش‌های ناچیز دنیوی است که شأن او را تا حد زیادی پایین آورده است. انوری برای رسیدن به مطامع دنیوی به ستایش امیران روی آورده و از این کار نه تنها هیچ ابایی ندارد بلکه برعکس آن را یک سنت ادبی دیرینه و یک انگیزهٔ مادی قوی برای سرودن شعر می‌داند. این پژوهش به روش کتابخانه‌ای و تحلیل توصیفات صورت گرفته است.

واژه‌های کلیدی: انوری، خلاقیت، قصیده، مدح، هجو

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

مقدمه

دانستن این موضوع که چرا انوری را به عنوان یکی از پیامبران سه‌گانه شعر فارسی می‌شناسند شاید بتواند کمک زیادی به حل مساله کند و دیگر اینکه بفهمیم ویژگی‌های شعر انوری چیست و سبک شعری او چگونه است؟ باز می‌تواند کلید حل معمای این قصیده‌سرای بزرگ سدهٔ ششم باشد.

انوری در عصری می‌زیست که نه می‌توان او را شاعر سبک خراسانی نامید و نه شاعر سبک عراقی، بلکه او را شاعر سبک بینابین عهد سلجوقی می‌نامند با خصوصیات شعری مخصوص به خود.

هدف از این پرسش‌ها این است تا در ضمن پاسخ دادن به آنها جایگاه و پایگاه ویژهٔ این شاعر در قصیده برای ما مشخص شود و این جز از طریق آنالیز کردن اشعار خود شاعر و پرداختن به ویژگی‌های سبکی او امکان‌پذیر نمی‌باشد. البته استفاده از آراء بزرگان و تذکره‌نویسان، در این خصوص بسیار راه‌گشا خواهد بود.

یکی از موضوعاتی که در شناخت و ارزیابی شاعر، خیلی اهمیت دارد، بررسی اوضاع زمانه خود شاعر و موتیف‌های شعری آن عصر می‌باشد که ما در صفحات بعد، به آن می‌پردازیم.

پیشینهٔ تحقیق:

اگرچه به طور گذرا و تیتروار در تذکره‌ها و به شکل عام و کلی، در بین پژوهشگران، به آثار و افکار انوری، به اندازه کافی پرداخته شده است و در برخی موارد از این پژوهشگران آثاری مکتوب، نیز به جا مانده است از جمله: کتاب مشاهیر ایرانی ۳۴ که به قلم نگارنده و در انتشارات تیرگان تهران به طبع رسیده است (کریم‌پور، ۱۳۸۷). اما این کافی نیست و به نظر می‌آید که عناصر و لایه‌های کشف نشدهٔ انوری، بیش از اینها جا برای کار داشته باشد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

مختصری از زندگی و احوال شاعر

«او حدالدین علی، فرزند وحیدالدین محمد در قریهٔ «بدنه» نزدیک مهنه از ولایت ابیورد منسوب به دشت خاوران به دنیا آمد» (صفا، ۱۳۷۱: ۶۵۶).

وی به سبب انتسابش به دشت خاوران، در آغاز شاعری «خاوری» تخلص می‌کرد. وی گذشته از ادبیات، در تحصیل منطق، حکمت، فلسفه، هیات، نجوم، مجسطی، فقه، تفسیر، حدیث و موسیقی، یگانه روزگار بوده است.

تا قبل از روی آوردن انوری به شعر و شاعری، مردم او را به عنوان یک دانشمند می‌شناختند. اما بعد از اینکه ثروت به جای مانده از پدر را صرف عیش و عشرت کرد با دیدن قرب و منزلت شاعران و مال و مکنت آنان تصمیم گرفت به شعر و شاعری روی بیاورد پس با زیرکی خاصی از فیلتر «امیر معزی» عبورد و خود را به دربار سلطان سنجر رساند و «بنابه گفتهٔ خودش، سی سال از عمرش را به مدح سلطان سنجر گذراند. خدمت سی سال را آخر بباید حرمتی» (وزین، پور، ۱۳۷۴: ۲۷۳).

بعد از اینکه سلطان سنجر، توسط طوایف غز، دستگیر شد و به شهر خراسان حمله کردند. مردم خراسان از انوری خواستند تا نامه‌ای به طمغاج خان حاکم سمرقند (پسرخواندهٔ سلطان سنجر) نوشته تا دردفع این شهر به آنها کمک کند این نامهٔ منظوم یکی از اجتماعی‌ترین قصیده‌های انوری می‌باشد که به چند زبان زندهٔ دنیا ترجمه شده، با نام «نامهٔ اهل خراسان» و با این مطلع:

بر سمرقند اگر بگذری ای باد صبا　　نامهٔ اهل خراسان به پسر خاقان بر

و البته، سلطان سنجر، ممدوح بزرگ انوری از ششم جمادی الاول ۵۴۸ تا رمضان ۵۵۱ در اسارت بود. (انوری، ۱۳۳۷: ۲۱)

یکی از اتهاماتی که به انوری داده شد، اتهام هجو بلخ بود. ظاهراً بین انوری و فتوحی رقابت‌هایی وجود داشت که آرام‌آرام این رقابت تبدیل به کینه‌توزی و بدخواهی شد. فتوحی شعری در هجو بلخ نوشت و آن را به انوری منسوب کرد. مطلع آن بیت چنین است:

چارشهر است خراسان را در چهار طرف که در وسطشان به مسافت کم صددرصد نیست.

(همان، ۵۶۹)

که انوری مجبور شد از طریق قصیدهٔ زیر، خودش را از این اتهام مبرا کند، این قصیده یکی از بهترین قصیده‌های انوری است با این مطلع:

ای مسلمانان فغان از دور چرخ چنبری　　وزنفاق تیر و قصد ماه و سیر مشتری

(همان، ۴۶۹)

سرانجام انوری در سال ۵۸۲ (ه. ق) به علت بیماری نقرس از دنیا رفت.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

٤- سبک‌های شعری در قرن ششم

در این دوره هنوز سه سبک به فعالیت خود ادامه می‌داد.

۱- سبک خراسانی ژ

۲- سبک آذربایجانی

۳- سبک بینابین (سبک عهد سلجوقی)

٤-۱- سبک خراسانی

در این دوره (قرن ششم) هنوز شاعرانی بودند که همچنان دنباله‌رو سبک خراسانی بودند. آنها معمولاً شاعران متوسطی بودند، چرا که در شعر آنان تحولات عمده‌ای صورت نگرفته است و چهارچوب میان آنها، همان اسلوب دورهٔ غزنوی است. عمده‌ترین این شاعران عبارتند از: معزی، ادیب صابر، سیدحسن غزنوی، لامعی گرگانی.

٤-۲- سبک آذربایجانی

مشخصات جغرافیایی این سبک، حوزه شمال غربی ایران یعنی منطقه اران و آذربایجان است.

رئیس حوزهٔ ادبی، ابوالعلا گنجه‌ای بود و شاعران معروف آن عبارتند از:

مجیرالدین بیلقانی (۵۷۷)، ملکی شروانی (۵۸۷)، خاقانی (۵۹۵) و نظامی (۵۹۹).

مختصات شعری آنان از نظر زبانی، همان سبک خراسان است، اما از نظر فکری شاهد تحولات شگرفی در این عصر می‌باشیم.

٤-۳- سبک بینابین (سبک عهد سلجوقی)

این سبک همان طور که از نامش پیداست ویژگی‌های دو سبک را دارد و می‌شود گفت که انوری با ایجاد این سبک کم‌کم داشت مقدمات ورود به سبک عراقی را فراهم می‌کرد. نمایندگان آن انوری و ظهیری می‌باشند که دو جنبه‌ای هستند یعنی، هم قصیده به سبک خراسانی می‌گویند و غزل را به سبک عراقی. اکثر شاعران قرن ششم به سبک بینابین یعنی خراسانی و عراقی شعر می‌گویند.

معروف‌ترین آنها عبارتند از: سنایی، خیام، ابوالفروج رونی، ظهیر فاریابی، جمال‌الدین اصفهانی، اثیر اخسیکتی، عبدالواسع جبلی و در نهایت انوری که شاخص‌ترین آنها می‌باشد. و اما مختصری از این شاعران:

سنایی: هم قصیده دارد و هم غزل و مثنوی. او برای نخستین بار به صورت جدی، عرفان را وارد شعر کرد.

خیام: در تحول رباعی، نقش عمده‌ای دارد. مسایل فلسفی را در رباعی مطرح کرد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

ابوالفرج رونی: تقریبا سبکی مخصوص به خود دارد. زبان مشکل و لغات مهجور و مشتمل بر اصطلاحات علمی را در شعر، او بنا نهاد.

ظهیر فاریابی: دقیقاً حرکت او را از سبک خراسانی به عراقی می‌توان دید.

جمال‌الدین اصفهانی: قصایدی به سبک سنایی و انوری دارد و تا حدی قصیده را به غزل نزدیک ساخته است.

اثیر اخسیکتی: با آن که چند قصیده به سبک خاقانی دارد، اما بیشتر مقلد انوری است.

عبدالواسع جبلی: او هم در تغییر سبک خراسانی به عراقی، سهم بسزایی دارد. زبان او زبان مردم عراق است که با عربی آمیخته است.

انوری: بزرگ‌ترین شاعر این گروه است. قصیدهٔ او نمایندهٔ کامل سبک دوره سلجوقی می‌باشد. او در حقیقت ادامه دهنده سبک ابوالفروج رونی می‌باشد.

۵- تحولات شعری در قرن ششم

تحولات ایجاد شده در این حوزه را می‌توان به سه دسته زبان، فکری و ادبی تقسیم کرد: (شمسیا، ۱۳۸۰: ۱۷۶-۱۸۴).

۵-۱- سطح زبانی:

ـ وفور لغات و اصطلاحات عربی. شاعران این دوره هم شعر عربی دارند و هم ملمع.

ـ وفور ترکیبات نو

ـ کاهش پیدا کردن واژه‌های رایج در سبک خراسانی

ـ ورود لغات ترکی

۵-۲- سطح فکری:

ـ اشاره به علوم مختلف از قبیل: نجوم، طب، تفسیر و فقه.

ـ اشاره به قرآن و حدیث و ضرب‌المثل عربی.

ـ اشاره به مسائل کلامی از جمله معتزله و اشعریان در مسایل مختلف.

ـ اشاره به مسایل فلسفی و حکمی و مخالفت کلی با فلسفه یونانی.

ـ اشاره به جزئیات بازی‌ها از قبیل نرد و شطرنج.

ـ شکایت از ممدوح.

ـ تقاضای خواسته‌های حقیر از قبیل ارزن برای مرغ و کاه برای اسب و به وجود آمدن «قطعهٔ تقاضایی».

مفاخره

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

ـ اظهار عشق به بندگان

ـ اعتقاد به جبر

ـ رواج هجو

۳-۵- سطح ادبی:

ـ به اوج رسیدن اکثر قالب‌های شعری؛ مثلاً خیام در رباعی، نظامی در مثنوی، انوری در قطعه و قصیده، خاقانی در قصیده و ترکیب‌بند.

ـ مطرح شدن انواع شعر. شعر عرفانی و شرعی (سنایی، خاقانی و نظامی)، حبسیه (مسعود سعد)، هجو (انوری، سوزنی سمرقندی)، داستان‌سرایی (نظامی)، ولی شعر حماسی در حال افت کردن بود.

ـ وفور مبالغه و غلو مخصوصاً در مدح.

ـ رواج پیدا کردن غزل در کنار قصیده.

ـ توجه به صنایع بدیعی و بیان.

ـ استفاده از تمثیل.

٦- علل و عوامل تغییر سبک

شاعران این عصر، آرام آرام از سبک خراسانی فاصله گرفته و به سمت عراقی در حرکت بودند. مهم‌ترین این عوامل عبارتند از:

۱-۶- توجه به زبان عربی: در این عصر از دبیران گرفته تا شاعران به زبان عربی به عنوان ابزاری برای فضل فروشی نگاه می‌کردند.

«در این دور کم‌کم این فکر رواج یافت که فارسی در مقابل عربی چیزی نیست و مخصوصاً دقایق و ظرایف را جز به زبان عربی نمی‌توان بیان کرد» (همان، ۱۷۳).

استقبال شاعران در این دوره چنان زیاد است که همه دو زبانه شده و به زبان عربی شعرهای بسیار دارند (خاقانی مدعی است که اشعار عربی او را به خانهٔ کعبه آویخته‌اند و مسعود سعد، دیوانی به عربی داشته است که امروزه در دست نیست» (همان، ۱۷۴).

۲-٦- روی آوردن به غزل به خاطر کم شدن صلات

در این دوره با توجه به اینکه دیگر از صلات کلان دورهٔ محمودی خبری نیست و از طرفی شاعران برای بیان مضامین عرفانی و عاشقانه نیاز به قالب غزل دارند. بنابراین رویکرد تغییر سبک آرام آرام شکل می‌گیرد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

۷- انوری شاعری تاثیرپذیر و تاثیرگذار

انوری یکی از شاعران تاثیرگذار و مطرح قرن ششم است و بدون شک از شاعران پیشین خود نیز تاثیر فراوان پذیرفته است. یکی از شاعران پیشکسوت و تاثیرگذار بر روی انوری، ابوالفرج رونی می‌باشد. او از استادان مسلم شعر در دورهٔ دوم غزنوی است. به قول محمد عوفی «انوری، پیوسته تتبع سخن او کردی و دیوان او همواره در نظر داشتی» (عوفی، ۱۳۳۵: ۴۱۹).

از تضمین‌ها و شباهت‌های لفظی بین مصراع‌ها، بیت‌ها، قافیه‌ها، ردیف‌ها و اوزان مشابه پی می‌بریم که انوری تا چه حد از این شاعر تاثیر پذیرفته است.

در نتیجه می‌توان گفت: «اگرچه انوری خود طریقه‌ای خاص در شعر دارد، لیکن می‌توان مدعی بود که طریقهٔ او دنبالهٔ روشی است که ابوالفرج در اواخر قرن پنجم ابداع کرده و بعد از او در قرن ششم پیروانی پیدا کرده و به کمال رسیده است» (صفا، ۱۳۷۱: ۴۷۱).

او مطالعه‌ی دیوان انوری معلوم می‌شود که وی تنها به شعر الوالفرج رونی نظر نداشته است، بلکه «از امیر معزی و ازرقی و سیدحسن غزنوی، بعضی از معانی و مضامین را گرفته و با تغییری در آن به صورت دیگر درآورده و آن را تصاحب نموده است» (همان، ۱۰۳).

اما خیلی از شاعران از شعر انوری بهرهٔ کافی برده‌اند که یکی از آنان ظهیر فاریابی می‌باشد «سبک ظهیر فاریابی اگرچه با سبک انوری متفاوت است و خود سبک مخصوصی دارد، لیکن از مطالعهٔ دیوان این دو شاعر به خوبی پیداست که ظهیر به اشعار انوری بسیار توجه داشته و از شعرهای وی کاملاً متاثر بوده و بعضی اوقات همان وزن و قافیه را گرفته و معنی را از بابی به باب دیگر برده است» (همان، ۱۰۴).

شهر «ظهیر» به قدری به شعر انوری نزدیک شده بود که بعدها گروهی شعر ظهیر را برتر از انوری می‌دانستند و قضاوت را به عهدهٔ «مجد همگر» گذاشته و او شعر انوری را برتر از ظهیر می‌دانست.

یکی دیگر از شاعرانی که از انوری بسیار بهره گرفته، شیخ اجل سعدی می‌باشد. او خیلی از غزلیات انوری را جواب گفته یا به اصطلاح «تتبع» کرده است.

۸- توانمندی‌های انوری در شعر

از آنجایی که انوری در تمام زمینه‌های علمی، ادبی و هنری صاحب اطلاعات کافی و وافی می‌باشد. از آن اطلاعات به زیبایی در شعر خود استفاده کرده و به هنر شعری خود غنا بخشیده است. که نمود این توانمندی‌ها را در ذیل می‌بینیم:

۸-۱- تسلط بر انواع ادبی

انوری در انواع ادبی، مدح، هجا، غزل، طبع‌آزمایی کرده و تسلط خود را به نمایش گذاشته است:

گرچه در بستم در مدح و غزل یک بارگی ظن مبر کز نظم الفاظ و معانی قاصرم

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

بلکه در هر نوع کز اقران من داند کسی　　خواه جزوی گیر آن را خواه کلی قادرم

(انوری، ۱۳۷۷: ۶۸۲/۲)

۸-۲- تسلط بر وزن و نطق موسیقایی

انوری به خوبی می‌داند که از وزن چگونه بهره ببرد. به گفته‌ی خودش: اگر شاعر منظم و موزون سراید، شعرش جاودانه خواهد شد. «هیچ ملتی نیست که از موسیقی بی‌بهره باشد، پس موسیقی در فطرت آدمی است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۴: ۴۸).

از یکی کان حسن اخلاقم　　وز دگر بحر نطق موزونم

(انوری، ۱۳۷۷: ۳۴۶)

بود بر تختهٔ او از همه نوعی آیات　　بود در دفتر او از همه وزنی اشعار

(همان، ۱۵۵)

۸-۳- افراط در استفاده از صنایع بدیعی و امثال تازی

افراط در آوردن صنایع شاعران این دوره، مهم‌ترین وجه امتیاز آنها نیز محسوب می‌شود و انوری علاوه بر صنایع از الفاظ و تعبیرات عربی و امثال تازی نیز بهره می‌برد. او با این کار می‌خواهد دست به نوعی ابداع و تازگی بزند و وجود کلمات عربی در اشعار او «به آن معنی نیست که انوری خواسته است در سخن خود تکلف کند و یا اظهار علم نماید» (زرین‌کوب، ۱۳۸۳: ۲۶۹).

٤-۸- توانایی در ایجاد معانی نغز و شیوا

انوری در این مقوله نیز بسیار توانمند و چیره‌دست می‌باشد و جای تردید نیست که بر شعرای معاصر خود، مانند ادیب صابر، رشید و طواط، ازرقی، عبدالواسع جبلی و سیدحسن غزنوی، از هر جهت برتری و امتیاز دارد.

۸-۵- ارجاعات علمی، نجومی و مذهبی در شعر

آنچه که شعر انوری را تا حدودی دیریاب کرده، وجود همین ارجاعات علمی، نجومی و مذهبی و یا حتی کلمات عربی رایج در آن زمان که به عنوان محاوره نیز به کار رفته است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

۹- انگیزه‌ها و نظرگاه‌های انوری در مورد شعر

قطعاً هر شاعری در سرودن شعر خود هدف و انگیزه‌ای دارد یا برای لذات است یا برای مطرح شدن و یا برای صله و توجه دیگران را به خود جلب کردن و. . . در اینجا به تعدادی از این موارد تیتروار اشاره می‌شود.

۹-۱- کسب لذت

تمام لذت انوری در این است تا ممدوح خود را راضی و خندان ببیند.

۹-۲- کسب افتخار

انوری در دیوان خود بارها تفاخر ورزیده و گاهی خود را برترین و بزرگترین شاعر می‌داند. او مدعی است که شعرش مانند «کبوتران مرعش» به همهٔ جهان رسیده است و سبک خود را بهتر از شاعران معاصر می‌داند.

شعرم به همه جهان رسیده است مانند کبوتران مرعش

(همان، ۶۶۰)

۹-۳- مدح و ذم

انوری از قصیده برای مدح ممدوحان استفاده می‌کرد و طبیعتاً از قبل آن هم امرار معاش می‌کرد. از غزل نیز در ستایش معشوق بهره می‌برد و از قطعه برای گاه هجو و گاه برای خواهش و خواسته‌های مادی.

در قطعه زیر می‌بینیم که چگونه تقاضای کاغذ می‌کند:

لیکن از بی‌کاغذی بیتی نکردستم درست هست امیدم که این خدمت چو بگذار تمام

(همان، ۶۷۷)

۹-٤- استفاده تبلیغاتی از شعر

جذب شاعران مداح همیشه یک فایدهٔ دوسویه داشته است از طرفی پادشاه، امیر و بزرگ‌زاده با این اشعار مدحی، چون شهرتی کسب می‌کرد که این کار فقط از صدا و سیمای امروزی جهان برمی‌آید و از طرفی خود شاعر، هم به نان و نوایی می‌رسید و هم اشعارش از دستبرد زمانه و فراموشی در امان می‌ماند. به قول مرحوم دکتر شهیدی «دستگاه شاعرپروری در آن روزگار کاری می‌کرده است که سازمان تبلیغاتی کشورها در عصر ما عهده‌دار آن کار است» (شهیدی، ۱۳۸۷: مقدمه)

ده قصیده و چهل قطعه همه مدحت تو که به اطراف جهان منتشر و مشهور است

(انوری، ۱۳۷۷: ۵۴۵/۲)

اگر نامه‌ای باید نوشتن نویسم به کلک و بنان دیبهٔ خسروانی

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

وگر شعر خواهی که بگویم هم از گفتهٔ خود، هم از باستانی

(همان، ۷۵۵)

۱۰- ذهنیت منفی در مورد شعر

۱-۱۰- حیض الرجال

انوری گاهی مقام شعر را چنان تنزل می‌دهد که از آن به عنوان «حیض الرجال» یاد می‌کند. گویی او از روز اول واقعاً هیچ علاقه‌ای به شعر و شاعری نداشته و فقط به خاطر رسیدن به مطامع دنیوی به آن روی آورده است.

شعر دانی چیست دور از روی توحیض الرجال قایلش گو خواه کیوان باش و خواه مشتری

(همان، ۴۵۵)

۲-۱۰- باطل شمردن شعر

انوری معتقد است شعری بوی مدح بدهد شعری باطل است و اگر او این کار را انجام می‌دهد قطعاً از سر نداری و ناچاری است.

کسی که مدت سی سال شعر باطل گفت خدای بر همه کامیش داد پیروزی

(همان، ۷۴۲/۲)

۳-۱۰- شعر مایه عار و ننگ

انوری با دیوان اشعاری بیش از ۱۳ هزار بیت، از شعر سرودن عارش می‌آید و آن را مایه ننگ می‌داند

هر که در زندگی به حیض شعر آلوده شد ننگ آلود و آغشتهٔ عار است

(همان، ۶۷۲)

٤-۱۰- دور بودن شعر از حکمت

وی شعر را با حکمت در یک مسیر نمی‌بیند و معتقد است از این جاده هرگز نمی‌توان به حکمت رسید.

راه حکمت رو که در معنی این جنس از علوم ره به دشواری توان برد از طریق شاعری

(همان، ۷۴۰/۲)

۵-۱۰- شعر یعنی ضایع کردن عمر

او معتقد است شاعری یعنی وقت تلف کردن و گوهر عمر را رایگان باختن.

ضایع از عمر من آنست که شعری گویم حاصل از عمر تو آنست که شعری گویی

۱۱- تقدم معنی بر لفظ

انوری می‌گوید: چون جمع شد معانی، گویی بیان توان زد. در المعجم آمده است: «شاعر چون ابتدای شعری کند و آغاز نظمی نهد، نخست نثر آن را پیش خاطر آرد و معانی آن را بر صحیفهٔ دل نگارد و الفاظی لایق آن معانی ترتیب دهد» (همدانی، ۱۳۷۷: ۲۱۶).

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

چون سلک معانی نظام دادم زان تا سخنم آبدار باشد

(انوری، ۱۳۷۷: ۱۹۸/۱)

۱۲- به دنبال معنی بکر بودن

انوری همیشه به دنبال لفظ و معنی بکر می‌باشد او معانی بکر را همچون دختران خاطر خویش می‌داند و آن را می‌ستاید.

۱۳- غث و سمین

در فنون بلاغت همایی چنین آمده است: «غث و سمین، لغتاً به معنی لاغر و فربه است و در اصطلاح ادبی، سخن نظم یا نثر است که یکدست و هموار نباشد» (همایی، ۱۳۶۲: ۴۰۸)

پر مسلم است که هر شاعری ابیات قوی و ضعیف دارد و انوری نیز از این امر مستثنی نمی‌باشد.

گرچه در تالیف این ابیات نیست بی سمین غثی و قسبی بی‌کروت

(انوری، ۱۳۷۷: ۵۹/۱)

۱٤- سهولت و امتناع

انوری شعر را سحر مبین می‌خواند که سهل و ناممتنع باشد.

وی زشعر من و شعر تو فاش سهل ناممتنع چو سحر مبین

(انوری، ۱۳۷۷: ۱۸۹)

۱۵- شاخصه‌های شعر انوری

انوری یکی از بزرگ‌ترین شاعرانی قرن ششم هجری می‌باشد که می‌توان او را نماینده کامل و تمام عیار سبک سلجوقی دانست او اصرار زیادی در استفاده از صنایع بدیعی دارد. او را می‌توان شاعری نوگرا و تحول‌آفرین دانست که اولین جرقه‌های سبک عراقی را می‌توان در غزلیات او مشاهده کرد.

انوری در تمام اقسام شعر تواناست و در آوردن معانی نغز دستی توانا دارد. بیشترین شهرت انوری در قصاید می‌باشد. قصاید وی از قصاید سبک خراسانی اندکی فاصله گرفته است. اکثر قصاید وی بدون تغزل، تشبیب و شیب می‌باشد. او یک راست سر اصل مطلب می‌رود. در قصایدی که بر یک وزن و قافیه می‌باشد تکرار هم دیده می‌شود.

قصاید انوری غالباً پیچیده و محتاج به شرح و تفسیر می‌باشد. زبان او مغلق و آمیخته با عربی است. اما غزلیات او بسیار ساده است و بین قصاید و غزلیات او فرق بسیار می‌باشد. اهمیت وی در غزل این است که آن را به زبان محاوره نزدیک کرده است. و همین شیوهٔ ساده در غزل‌سرایی، صد سال بعد با همین اسلوب بر زبان سعدی جاری می‌شود.

انوری این چه شیوهٔ غزل است که بدان گویی نطق بربودی

دامن از چرخ برکشید سخن تا تو دامن بدو بیالودی (همان، ۹۱۹)

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

۱۶- ارزشیابی شعر انوری از زبان خود و دیگران

عبدالرحمان جامی در کتاب «بهارستان» خود انوری را به خاطر قصایدش یکی از سه پیامبر شعر فارسی می‌داند و چنین گفته است:

در شعر سه تن پیامبرانند هر چند که لانبی بعدی
اوصاف و قصیده غزل را فردوسی و انوری و سعدی

(جامی، ۱۳۷۱: ۱۰۵)

همانطور که می‌بینید فردوسی را در توصیف، انوری را در قصیده و سعدی را در غزل قابل ستایش می‌داند.

پس از عبدالرحمان جامی، آذر بیگدلی، شاعر و منتقد سده دوازدهم هجری قضاوتی مشابه دارد و او را یکی از سلاطین سخن فارسی می‌داند.

و اما ملک‌الشعرای بهار به این داوری اعتراض کرده است و گفته است:

من عجب دارم از آن مردن که پهلو نهند در سخن فردوسی فرزانه را با انوری
انوری هر چه باشد اوستادی بی‌بدیل کی زند با اوستاد توس لاف همسری

(دیوان اشعار بهار)

و اما شفیعی کدکنی، قصاید انوری را ضعیف‌تر از قصاید و غزلیات او می‌داند و گفته است: «علت ماندگاری شعر انوری در صفحه ادبیات، مرهون غزل‌ها و قطعات اوست» (شفیعی کدکنی، ۱۳۷۲: ۳۹).

و در جایی دیگر باز می‌گوید: «اگر انوری زنده بود سپاسگزار همین‌گونه شعرها (غزل‌ها و قطعه‌ها)ی خویش بود که با این اشعار توانسته در زمرهٔ سه پیامبر شعر فارسی معرفی شود» (همان، ۴۳).

انوری در کنار آن همه تفاخر به شعر خود، گاهی چنان سرخورده می‌شود که «ناگاه درمی‌یابد که تمام ذوق و اندیشه‌اش را به ناچار حول سه موضوع: مدح، عشق جسمانی و هزل چرخیده است، با تلخی و تندی تمام می‌گوید که مردمان، مرا پیامبر شعرهای باطلی بدانید؛ چرا که سی سال تمام شعر بیهوده گفتم و دریغا که کیمیای شعر فروختم و افلاس گرفتم. (مجتبی، ۱۳۸۸: ۶۶۷/۲).

شاید نتوان انوری را در ردیف سعدی و فردوسی قرار داد اما قطع به یقین او یکی از قصیده‌سرایان بزرگ ایران است که در زمرهٔ شاعران بزرگ ایران قرار دارد.

نتیجه‌گیری

انوری یکی از قصیده‌سرایان بزرگ قرن ششم و در عهد سلجوقی می‌باشد که از راه ستایش امیران و بزرگان زادگان، امرار معاش می‌کرده است و از این بابت خود را «مفلس کیمیافروش» لقب داده است. او گاهی در شعر چنان احساس نفرت می‌کند که آن را «حیض الرجال» می‌داند اگرچه از درون همواره دل در گرو شعر دارد.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

تذکره‌نویسان او را در ردیف پیامبران سه‌گانهٔ شعر بعد از فردوسی و سعدی نامیده‌اند. او در آوردن لفظ و معنی، معنی را ترجیح می‌دهد اگرچه به لفظ هم بهایی در خور می‌داند و آن را در لباس زیبایی می‌آراید.

انوری در علوم زمانه جامع الاطراف بوده و ارجاعات او در علم و نجوم و فقه و اشعار و امثال عربی، شعر او را اندکی دیریاب و دیرفهم کرده است.

از ویژگی‌های دیگر او نوعی خلاقیت به روش داستان‌وارگونگی و تعلیق در اشعارش می‌باشد.

اگرچه در اشعار او خواهش‌های طامعانه و حقیر به چشم می‌خورد اما این طور نیست که همیشه منفعل و بی‌خیال درد و رنج جامعهٔ خود باشد.

در «نامهٔ اهل خراسان» او ما شاهد یکی از اجتماعی‌ترین شعرهای وی در عرصهٔ ادبیات هستیم که در دفاع از مردم خراسان، نامه‌ای منظوم می‌نویسد و در آن ضمن بیان دردهای مردم خراسان که در سیطرهٔ قدرت غزان بودند ندای فریادرسی هم سر می‌دهد. در ارزش و اعتبار این شعر، همان بس که به چند زبان زندهٔ دنیا ترجمه شده است.

این شاعر، البته رقیبانی هم داشته است که به او رشک می‌ورزیده‌اند و سعی در ترور و تخریب شخصیت وی داشته‌اند که یکی از آنها شاعری به نام «فتوحی» بوده است که همواره با او رقابت داشته‌اند و با سرودن شعر «هجو بلخ» و انتساب آن به انوری، سعی کرده است او را از چشم مردم بیندازد که انوری با سرودن شعری از خود رفع اتهام می‌کند.

مخلص کلام اینکه انوری، شاعری تاثیرپذیر و تاثیرگذار بوده است. او از «ابوالفرج رونی» بسیار متاثر بوده است و از طرفی بر ظهیر فاریابی و سعدی هم اثرگذار بوده است.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]

فهرست منابع و مآخذ

ـ انوری ابیوردی، ۱۳۷۷. دیوان دوجلدی قصاید و غزلیات و مقطعات، تصحیح مدرس رضوی، تهران: بنگاه ترجمه.

ـ جامی، عبدالرحمان، ۱۳۷۱. بهارستان، تصحیح اسماعیل حاکمی، تهران: اطلاعات.

ـ حکیما، فاطمه، محسنی‌نیا، ناصر، ۱۳۹۴. تبیین نظریه ادبی انوری ابیوردی، تهران: فنون ادبی، شماره ۳.

ـ زرین‌کوب، عبدالحسین، ۱۳۸۳. از گذشتهٔ ادبی ایران، تهران: سخن.

ـ شفیعی کدکنی، محمدرضا، ۱۳۷۲. تازیانه‌های سلوک، تهران: آگاه.

ـ شمسیا، سیروس، ۱۳۸۰. سبک‌شناسی شعر فارسی، تهران: فردوس.

ـ صفا، ذبیح‌الله، تاریخ ادبیات در ایران، ۱۳۷۱. ج۲، تهران: فردوس.

ـ عوفی، سدیدالدین محمد، ۱۳۳۵. لباب الالباب، تصحیح ادوارد براون، تهران: سینا.

ـ قیس رازی، شمس‌الدین، ۱۳۸۸. المعجم فی معابیر اشعار العجم، تصحیح سیروس شمسیا، تهران: علمی.

ـ کریم‌پور، حیدر، ۱۳۹۲. مشاهیر ایرانی ۳۴ (انوری ابیوردی)، تهران: تیرگان.

ـ مجتبی، مهدی، ۱۳۸۸. از معنا تا صورت، ج ۲، تهران: سخن.

ـ وزین‌پور، نادر، ۱۳۷۴. مدح، داغ ننگ بر سیمای ادب فارسی، تهران: معین.

ـ همایی، جلال‌الدین، ۱۳۶۲. فنون بلاغت و صناعات همایی، تهران: هما.

[Downloaded from jnrihs.ir on 2026-11-18]